فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی اول، شماره‌ی٤، بهار٩٢،صفحات ٢٤٦-٢١٧

تبیین جامعه شناختی دموکراسی؛ مطالعه‌ی تطبیقی میان کشوری با رویکرد فازی از سال ۱۹۹۰-۲۰۱۰

علی ساعی[۱]، مریم زارعیان[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰٦/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

چکیده

مسأله‌ی این مقاله ناظر بر درجه‌ی تفاوت‌پذیری دموکراسی است. چارچوب نظری تحقیق بـه ایـن صـورت فرموله شده است که مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و نابرابری مازسوی در توزیع درآمد و درآمـدهای غیررانتـی شرط لازم برای دموکراسی است. رویکرد مقاله تحلیـل تطبیقـی فـازی میـان کشـوری اسـت. جمعیـت تحقیـق مجموعه‌ی ١٥٦کشوری است که در فهرست بانک جهانی دارای داده‌اند، اما در هر تحلیل با توجّـه بـه داده‌هـای مفقوده تعداد موارد با هم متفاوت است. روش داوری فرضیه‌ها، فازی و نرم افزار مـورد اسـتفاده spss، Exel و Fs/QCAf است. یافته‌های تجربی ناظر بر رابطه میان فازی مجموعه‌ای، دلالت برآن دارند در بیش‌تـر موردهـا، اعتماد متقابل و درآمدهای غیررانتی شرط لازم برای دموکراسی است. مشارکت مدنی و نفع جمعی بالا و نابرابری مازسوی معمولاً شرط لازم برای دموکراسی است. بررسی مسیرهای علّی شرط کافی بـرای وقـوع نتیجـه نشـان می‌دهد سه مسیر جداگانه برای رخداد دموکراسی وجود دارند که هرکدام از این مسیرها شـرط ترکیبـی(عطفـی) کافی تلقی می‌شوند. وجه مشترک این سه مسیر مشارکت مدنی بالا و درآمدهای غیر رانتی است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل فازی، تحلیل تطبیقی، تاریخی، دموکراسی، نابرابری، منابع غیر رانتی

۱ . استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس(نویسنده مسؤول) alisaei62@yahoo.com

۲ . دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس maryamzareian@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

طرح مسأله

در چند دهه‌ی اخیر، دموکراسی جایگاهی برجسته در میان دیگر شیوه‌های حکومت در جهان یافته است؛ از همین رو مطالعه‌ی فرایند گذار از رژیم‌های اقتدارگرا به نظام‌های سیاسی دموکراتیک، به یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی سیاسی معاصر تبدیل شده است. اما دستیابی به دموکراسی به یکی از معمّاهای برجسته تبدیل شده است؛ زیرا وضعیت دموکراسی در کشورهای مختلف، به طرز چشمگیری با هم متفاوت است. به‌عنوان مثال ایالات متحده‌ی آمریکا در اوایل قرن ۱۹(1840–1820) دموکراتیک شدند؛ اما نخستین کشورهای آمریکای لاتین که دموکراتیک شدند، آرژانتین و اروگوئه در سال‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۹ بودند و سایر کشورها مانند السالوادور و پاراگوئه تا دهه‌ی ۱۹۹۰ یعنی تقریباً نیم قرن بعد نیز به این وضع درنیامده بودند. در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز، با وجود آن‌که نهادهای دموکراتیک در این جوامع ایجاد شده است، کار ویژه‌ی احزاب، مجالس قانونگذاری و حکومت انتخابی با کشورهای دموکراتیک به کلی متفاوت است. پس مهم‌ترین تمایز میان کشورها نه از حیث وجود یا عدم وجود دموکراسی، بلکه مربوط به میزان آن است. برای اثبات این مدعا، مراجعه به گزارش‌های آماری مرکز صلح جهانی[1] نشان می‌دهد از یک سو سطح شاخص دموکراسی در میان کشورهای مختلف تفاوت زیادی با هم دارد و از سوی دیگر بین میانگین این شاخص از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در کشورهای توسعه یافته مانند سوئد ۱۰، کانادا ۱۰، ژاپن ۱۰، فرانسه ۹، استرالیا ۱۰ و در برخی کشورهای در حال توسعه از قبیل تاجیکستان ۳-، جمهوری آذربایجان ٦. ۵-، ایران ۱. ۵- تفاوت زیادی مشاهده می‌شود[2] «۲۰۱۰- ۱۸۰۰ http://www. systemicpeace. orgpolity iv project:». با مقایسه‌ی این شاخص میان برخی از کشورهای در حال توسعه همانند آذربایجان با کشورهای توسعه یافته، اختلافی در حدود ۱۷ واحد و بیش‌تر مشاهده می‌شود و این به معنای ۸۵ درصد اختلاف نسبت به تفاضل حداکثر و حداقل میزان این شاخص است. در حالی‌که برای برخی دیگر از کشورهای در حال توسعه از قبیل جمهوری چک با میانگین این شاخص۸. ۵، مجارستان ۱۰، ترکیه ۷، هند ۹. ۵، این اختلاف بسیار اندک است و یا اصلاً وجود ندارد. این اختلاف میان ایران و کشورهای درحال توسعه ۱۱. ۵ واحد است. پس بر اساس شواهد موجود توزیع نمرات پولیتی به‌عنوان شاخص دموکراسی در میان کشورها دارای چولگی زیادی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بنابراین مدعای تبیینی یا مسأله‌ی این مقاله آن است که تفاوت‌های آشکار و بزرگی در شاخص دموکراسی در میان کشورها وجود دارد که به‌عنوان یک مسأله نیازمند تبیین تجربی است. در این مقاله پاسخ این پرسش جستجو می‌شود که: «درجه تفاوت‌پذیری دموکراسی در کشورهای مورد مطالعه چگونه قابل تبیین است؟»

در پاسخ به این سؤال و در مقام حلّ مسأله دو نوع استدلال اقامه شده است: استدلال نظری و استدلال تجربی. در زیر، ابتدا در پرتو استدلال نظری، راه حل تئوریک مسأله، ارایه و در ادامه از طریق استدلال تجربی درباب آن راه حل داوری شده است.

استدلال نظری

پژوهش‌های مربوط به موضوع

بررسی نشان می‌دهد که در تبیین دموکراسی، کم‌و بیش می‌توان رویکردهایی با دیدگاه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی را از هم تمیز داد که به اختصار هر یک از این رویکردها متضمن مفاهیم زیر است.

دیدگاه اقتصادی: به‌طور کلی نظریاتی که ذیل این دیدگاه قرار می‌گیرند، از سه بعد به تبیین دموکراسی پرداخته‌اند؛ **نخست، توجّه به توسعه‌ی اقتصادی:** این دسته از نظریه پردازان با عطف توجّه با رابطه میان توسعه‌ی اقتصادی و دموکراسی، پدیده‌ی دموکراسی را تبیین می‌کنند (لیپست، ۱۹٦۰؛ مولر، ۱۹۸۸؛ هانتینگتون، ۱۹۹۱؛ بک و بوخارت، ۱۹۹٤؛ دایاموند، ۱۹۹۲؛۱۹۹۹؛کوپدج، ۱۹۹۷؛ پرژورسکی، ۱۹۹٦؛۲۰۰۰). دوم، **توجّه به دستیابی دولت‌ها به منابع رانت:** این دسته از نظریات از این بعد به تبیین موضوع می‌پردازند که درآمدهای نفتی امکان تجهیز دستگاه‌های سر کوب و تضعیف جامعه‌ی مدنی را برای رژیم‌های صادرکننده‌ی نفت فراهم می‌کند. این رژیم‌ها با دریافت نکردن مالیات از جامعه به توافقی ضمنی و نانوشته با مردم دست می‌یابند که آنان نیز از حکومت مبتنی بر نمایندگی صرف نظر کنند و یا به عبارت دیگر اولویت‌های اقتصادی را با اولویت‌های سیاسی تعویض کنند. نتیجه‌ی مستقیم این درآمدها، تقویت حکومت اقتدارگرا است (مهدوی، ۱۹۷۰؛ کاتوزیان، ۱۹۸٦؛ لوسیانی، ۱۹۸۷؛ جانسون، ۱۹۸۹؛ چاندری، ۱۹۸۹؛ پیتراوانز، ۱۹۹۲؛ کارل، ۱۹۹۷؛ لفت‌ویچ، ۲۰۰۲؛ وانچکن، ۲۰۰۲؛۲۰۰٦؛ مک مور، ۲۰۰٤؛یاتس، ۲۰۰۵؛ هوک، ۲۰۰۸؛ رس، ۲۰۰۹ ؛۱۹۹۹ و فریدمن،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲۰۰٦). سوم، **توجّه به نابرابری هـای اقتصـادی**: ایـن گـروه از نظریـه پـردازان معتقدنـد در برابرترین جوامع، انقلاب و شورش‌های اجتماعی گزینه‌ی جـذابی بـرای شـهروندان بـه نظـر نمی‌رسد؛ چرا که یا هیچ چالشی در برابر نظام غیردموکراتیک وجود ندارد یا هـر چالشـی کـه وجود داشته باشد، می‌توان با تمهیدات موقتی مانند بازتوزیع‌های محدود رفع کرد. در نقطـه‌ی مقابل، در جوامع بسیار نابرابر شهروندان دلایل کافی برای ناخشنودی دارند و تلاش مـی‌کننـد علیه اقتدار غیردموکراتیک قیام کنند و در این شرایط فرادستان در صورت رهاکردن نظامی کـه منافع آن‌ها را محقق می‌کند و گذار به نظامی که بارمالی باز توزیع را بـر دوش آن‌هـا تحمیـل خواهد کرد، بسیار متضرر مـی‌شـوند. از ایـن رو احتمـالاً جامعـه‌ی بسـیار نـابرابر، بـه جـای دموکراسی به سمت غیر دموکراسی سرکوبگر حرکت می‌کند. بنابراین بیش‌ترین شـانس بـرای ظهور دموکراسی در جوامعی است که نابرابری در آن‌ها در سطحی مازسوی است(ویلیامسـون، ۱۹۹۸؛ چنگ، ۲۰۰٤؛ آسیموگلو و رابینسون، ۲۰۰۸).

دیدگاه سیاسی: نظریاتی که ذیل این دیدگاه به تبیین دموکراسی نظر کرده‌اند، از دو بعد به موضوع پرداخته‌اند:

نخست نظریه‌های نهادمندی سیاسی که اقتدار عقلانی، ساختار سیاسی تمایزیافته، نوسازی سیاسی و اشتراک سیاسی فراگیر را شروط اساسی برای توسعه‌ی سیاسی می‌دانند (دارندورف، ۱۹٦۷؛ آیزنشتات، ۱۹۸۷؛ هانتینگتون، ۱۹۸٤)؛

و **دوم نظریه‌های جامعه‌ی مدنی/ حوزه‌ی عمومی** که با عطف توجّـه بـه حجـم قـدرت پراکنده در سطح جامعه سعی در تبیین دموکراسی دارند؛ دیدگاه کلی این نظریه پردازان بر این اصل استوار است که با گسترش حجم قدرت در درون جامعه‌ی مدنی، مطالبه‌ی شـهروندان از دولت افزایش یافته و در نتیجه میزان قدرت در درون دولت کـاهش مـی‌یابـد (دیویدایسـتون، ۱۹٦۵؛ هابرماس، ۱۹۷٦؛۱۹۸۷؛ چیلکوت، ۱۳۷۷؛ ژیل، ۲۰۰۰؛ چاندوک، ۱۳۸۷).

دیدگاه اجتماعی- فرهنگی: در این دیدگاه نظریـاتی قـرار دارنـد کـه پیـدایش و تثبیـت دموکراسی را منوط به مجموعه‌ی گسترده‌ای از وجود ارزش‌های فرهنگی مرتبط، جامعه‌پذیری خاص و تعاملات بالای اجتماعی می‌دانند. این نظریه‌پردازان معتقدند با برخـی از ارزش‌هـای فرهنگی موجود در جوامع و چگونگی تعاملات اجتماعی می‌توان به تبیین چرایـی وجـود یـا عدم وجود دموکراسی دست یافت. نظریات این دیدگاه را به دو دسته‌ی کلی نظریات فرهنـگ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سیاسی و نظریات سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان تقسیم کرد: **نظریه پردازان فرهنگ سیاسی** که تنوع در نگرش‌های فرهنگی را بر میزان و چگونگی مشارکت سیاسی در یک جامعه مؤثر می‌دانند و در این زمینه، بر نوع فرهنگ سیاسی تأکید دارند. به‌نظر این گروه، فرهنگ سیاسی دموکراتیک موجب شکل‌گیری زندگی سیاسی دموکراتیک می‌شود (روکیچ، ۱۹۶۰؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ اینگلهارت، ۱۹۹۷، اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵). **دوم نظریات سرمایه‌ی اجتماعی** که بر فعّالیّت داوطلبانه و اعتماد اجتماعی به‌عنوان زمینه‌ی عمومی برای شکوفایی دموکراسی و کارآمدی آن تأکید دارند (توکویل، ۱۹۷۰؛ اوفه، ۱۹۹۰؛ کلمن، ۱۹۹۰؛ پاتنام، ۱۹۹۳، ۲۰۰۰؛ نوریس، ۲۰۰۲؛ نیوتن ۱۹۹۷؛۲۰۰۱؛پاکستون، ۱۹۹۹؛ پالدام، ۲۰۰۰؛ اسلانر و دکر، ۲۰۰۱؛ گروتارت ۲۰۰۳).

دستگاه نظری با عنایت به سه دیدگاه کلی در تبیین دموکراسی- اقتصادی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی- پیشنهاد می‌شود. در دستگاه نظری این مطالعه، دموکراسی به‌عنوان نتیجه[1] است و نابرابری مازسوی در توزیع درآمد، مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و عدم دسترسی دولت به درآمدهای رانتی، سه شرط علّی اصلی هستند. این دستگاه نظری ترکیبی است که هم‌زمان از دیدگاه اقتصادی (نقش تقویت کنندگی نابرابری مازسوی و عدم دسترسی دولت به درآمدهای رانتی)، سیاسی (تأثیر مشارکت مدنی افراد جامعه) و اجتماعی-فرهنگی (تأثیر عناصر سرمایه‌ی اجتماعی) بهره گرفته و امکان تکمیل و اصلاح در فرایند جمع‌آوری شواهد را دارا است.

در این ترکیب علّی، اعتماد متقابل، با افزایش تمایل افراد برای همکاری و تعامل با یک‌دیگر، فعّالیّت‌های اجتماعی را در جامعه گسترش می‌دهد. هم‌چنین اعتماد افراد به نهادها زمینه ساز کارآمدی نهادها و تقویت جامعه‌ی مدنی به عنوان پیش‌نیاز دموکراسی است. نفع جمعی به معنای ترجیح خیرجمعی بر نفع فردی است. اگر به جای روحیه‌ی جمع‌گرایی، فردیت طلبی بر روابط اجتماعی غلبه داشته باشد، دراین صورت روابط اجتماعی مبتنی بر عقلانیت ابزاری می‌شود و افراد حسابگرانه در زندگی اجتماعی صرفاً سود شخصی را دنبال می‌کنند و از تعقیب نفع عمومی امتناع می‌ورزند. در صورتی‌که روحیه‌ی غالب در میان افراد نفع جمعی باشد، به‌دلیل دنبال کردن نفع همگانی، نهادهای واسط برای پیگیری این مسأله

1- outcome

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شکل می‌گیرد. هم‌چنین با افزایش مشارکت مدنیِ شهروندان و مشارکت فعالِ افراد در انجمن‌های مدنی، وابستگی متقابل و احساس وظیفه افزایش می‌یابد و عادت مشارکت در میان شهروندان تقویت می‌شود. نهادهای مدنی مانند احزاب و سازمان‌های مردم نهاد رابطه میان فرد و جامعه را تنظیم می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که از یک طرف از توده‌ای شدن جامعه جلوگیری می‌کنند و از طرف دیگر، با ایجاد کانال‌های هم‌بستگی اجتماعی، مانع ظهور فردگرایی خودخواهانه می‌شوند. از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی مردم و دولت نیز بر شکل‌گیری و دوام دموکراسی تأثیر خواهد گذارد. هرچه در جامعه‌ای نابرابری میان گروهی بیش‌تر، انقلاب برای شهروندان گزینه‌ی جذّاب‌تری خواهد بود؛ زیرا با انقلاب کردن آن‌ها فرصت سهیم‌شدن درکل درآمد اقتصادی را پیدا می‌کنند. ولی اگر نابرابری بسیار بالا باشد، دموکراسی برای فرادستان که اغنیای جامعه هستند، پرهزینه می‌شود و در نتیجه توسل به سرکوب گزینه جذابتری به نظر می‌رسد. بنابراین افزایش نابرابری ممکن است تأثیر منفی نیز بر دموکراسی داشته باشد. ازاین‌رو در جامعه‌ی بسیار نابرابر به جای دموکراسی، به غیردموکراسی سرکوبگر منجر می‌شود. پس نابرابری مازسوی می‌تواند عامل ایجاد و دوام دموکراسی باشد. درآمدهای عظیم نفتی نیز از سه طریق بر روی دموکراسی اثر منفی دارد. درآمدهای رانتی در دست دولت موجب می‌شود که دولت به راحتّی بتواند از طریق توزیع رانت‌ها و افزایش رفاه مردم، تمایلات دموکراسی خواهانه مردم را محدود یا منحرف کند. دوم، داشتن منابع رایگان برای دولت‌ها، موجب ممانعت دولت از تشکیل گروه‌های مدنی به عنوان پیش شرط اساسی دموکراسی می‌شود. هم‌چنین در این نوع دولت‌ها از طریق فشار، ممانعت قانونی و سرکوب نیز گسترش گروه‌ها و نهادهای مدنی محدود می‌شود. سوم، نتیجه مستقیم استقلال دولت رانتیر از درآمد مالیات، این است که دولت نیازی نمی‌بیند تا پاسخ‌گوی جامعه باشد. به‌عبارت دیگر، چون دولت رانتیر از مردم مالیاتی نمی‌گیرد، در نتیجه جامعه‌ی مدنی در مقابل قدرت آن، هیچ‌گونه اهرمی در اختیار نخواهد داشت.

از رهگذر تلفیق این سه دیدگاه، دستگاه نظری پژوهش به صورت زیر فرموله می‌شود:

دموکراسی ⊂ (سرمایه اجتماعی ^ نابرابری در توزیع درآمد ^ دولت غیررانتی)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فرضیه‌هایی که بر اساس دستگاه نظری گمانه زنی می‌شود، بر اساس ترمینولوژی شروط لازم و کافی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه‌ی اول: سرمایه‌ی اجتماعی شرط علّی لازم برای دموکراسی است.

فرضیه‌ی دوم: درآمدهای غیر رانتی دولت شرط علّی لازم برای دموکراسی است.

فرضیه‌ی سوم: نابرابری مازسوی در جامعه شرط علّی لازم برای دموکراسی است.

فرضیه‌ی چهارم: مجموعه ترکیبی مشارکت مدنی بالا و اعتماد نهادی بالا و نفع جمعی بالا و اعتماد متقابل بالا، عدم دسترسی به درآمدهای رانتی و نابرابری مازسوی ترکیب علّی کافی برای وقوع و تثبیت دموکراسی است.

برای بررسی مطابقت گزاره‌های تئوریک با واقعیّت، ابتدا مفاهیم مورد بررسی تعریف عملیاتی می‌شوند و سپس با بهره گیری از رویکرد فازی، مورد داوری قرار می‌گیرند.

تعریف عملیاتی مفاهیم

دموکراسی: معرّف‌های عملی دموکراسی عبارتند از: رقابت‌پذیری مشارکت سیاسی[1]، باز بودن و رقابتی بودن استخدام مسؤولین اجرایی[2] و محدودیت‌هایی که بر رئیس قوه‌ی مجریه تحمیل می‌شود[3]. شاخص درنظر گرفته شده برای آن، نمره‌ی پولیتی[4] است. نمره‌ی پولیتی بر مبنای دو الگوی اقتدار سیاسی یعنی دموکراسی نهادینه شده و آتوکراسی[5] (خودکامگی) ساخته شده و از طریق کسر کردنِ نمره‌ی آتوکراسی از نمره‌ی دموکراسی استنتاج شده است. نمرات پولیتی از ۱۰- تا ۱۰ تغییر می‌کند.

سرمایه‌ی اجتماعی: دارای چهار بُعد اعتماد متقابل، اعتماد نهادی، نفع جمعی و مشارکت مدنی است.

اعتماد متقابل[6]: برای ارزیابی بُعد اعتماد متقابل، از معرّف‌های تجربی میزان اعتماد افراد جامعه به یک‌دیگر استفاده شده است. این میزان با این پرسش مورد سنجش واقع شده است

1 .Competitiveness of Political Participation
2 .Openness and Competitiveness of Executive Recruitment
3. Constraints on the Chief Executive
4 .Polity Index
5 .Autocracy
6 .Interpersonal Trust

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

که «آیا شما معمولاً اکثر مردم را قابل اعتماد می‌دانید یا این‌که در رابطه با مـردم بایـد مراقـب بود؟[1]

اعتماد نهادی[2]: اعتماد نهادی یا اطمینان به نهادها دومـین بعـد انـدازه‌گیـری از سـرمایه‌ی اجتماعی است. میزان اطمینان به هر یک از نهادها به صورت میانگین برای هر کشور محاسـبه گردید، ساده‌ترین راه برای به دست آوردن شاخص اعتمـاد نهـادی، اسـتفاده از میـانگین‌هـای حسابی نمرات معرف‌های مربوطه است، ولی نکته‌ی قابل تأمل که از دقت نتایج مـی‌کاهـد آن است که این معرف‌ها در تعیین شاخص نهایی وزن‌های یکسانی ندارند. بر این اسـاس، بـرای تعیین وزن‌های هر یک از مؤلفه‌ها از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی[3] استفاده شده است.

مشارکت مدنی[4]: بُعد سوم سرمایه‌ی اجتماعی مشارکت در جامعه‌ی مدنی یا درگیر شـدن در شبکه‌های اجتماعی است. این بعد می‌تواند به دو شکل از تعامل اشـاره کنـد: ۱- تعامـل و داشتن رابطه در شبکه‌هـای غیررسـمی[5] و ۲- تعامـل و داشـتن رابطـه در شـبکه‌هـای رسـمی (به شکل عضویت یا انجام کارهای داوطلبانه برای سازمان)[6]. برای ساخت شاخص مشـارکت مدنی، ابتدا میانگین عناصر مؤلّفه‌ها برای هر کشـور محاسـبه شـده و سـپس بـا روش تحلیـل مؤلّفه‌های اصلی، وزن‌های نشان‌گر به دست آمده و سپس شـاخص مشـارکت مـدنی محاسـبه شده است.

نفع جمعی[7]: بُعد چهارم سرمایه‌ی اجتماعی نفع جمعی یا هنجار عمل متقابل[8] است. نفـع جمعی در شکل علاقه در گروه بودن یا منافع جمعی را به منافع فردی ترجیح‌دادن (رد سواری مجانی[9]) نشان‌دهنده‌ی تمایل افراد برای مشارکت در رفع مشـکل جمعـی و مراعـات دیگـران است (ناک و کفر، ۱۹۹۷: ۱۲۵۸). فرار از مالیات، عدم پرداخت کرایه حمـل و نقـل عمـومی، عدم احترام به حقوق رانندگان دیگر، پذیرش یا پرداخت رشوه از مصادیق کمبود روحیه‌ی نفع جمعی در میان افراد است. رد سواری مجانی بـه بهتـرین شـکل در سـؤالاتی کـه بـه توجیـه

1 .Most people can be trusted; 2. Can't be too careful (have to be very careful)
2 .Institutional Trust
3. Principal Component Analysis - PCA
4. Participation in Civil Society
5. Engagement in Informal Networks or Relations (being socially active)
6. Being a Member of and/or Doing Voluntary Work for an Organization)
7. Trustworthiness
8. Norms of Reciprocity
9. Free-Riding

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

رفتارهای فردگرایانه می‌پردازند، عیان است. برای ساخت شاخص نفع جمعی، ابتدا میانگین عناصر مؤلّفه‌ها برای هر کشور محاسبه شده و سپس با روش مؤلفه‌های اصلی ضرایب هر یک به دست آمده و سپس شاخص نفع جمعی محاسبه شده است.

دولت غیر رانتی: درآمدهای رانتی، درآمدهای دولت از محل صدور مواد خام معدنی و نفتی است. برای اندازه‌گیری تمرکز انحصاری دولت بر درآمدهای رانتی از نسبت خالص واردات انرژی (اختلاف واردات و صادرات) بر کل مصرف انرژی به صورت درصدی استفاده می‌شود. هرچه این نسبت بزرگ‌تر باشد، به معنای آن است که درآمد آن دولت وابستگی کم‌تری به انرژی داخلی دارد.

نابرابری در توزیع درآمد: برای سنجش نابرابری درآمد سهم درآمد نیروی کار در تولید ناخالص داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای اندازه‌گیری شاخص نابرابری در توزیع درآمد از مجموعه داده‌های وایدر[1] استفاده شده که این مجموعه شامل داده‌های دینینگر و اسکوار نیز هست. این مجموعه داده بیش‌تر برای تحلیل سری زمانی استفاده می‌شود.

روش پژوهش

رویکرد مقاله تحلیل تطبیقی میان کشوری است، تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌های موجود (ثانویه) است. بانک‌های اطلاعاتی مورد استفاده به سه دسته‌ی اساسی تقسیم می‌شوند: آمارهای نابرابری درآمد جهانی[2]، بانک جهانی[3]، سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های جهانی[4] و صلح صلح سیستمیک[5].

واحد تحلیل پژوهش حاضر کشور است. جمعیت تحقیق مجموعه ۱۵٦کشوری است که در فهرست بانک جهانی مورد توجّه قرار گرفته است. منتها در هر تحلیل با توجّه به داده‌های مفقوده تعداد موارد با هم متفاوت است.

1. wider
2 .www.wider.unu.edu/wiid/wiid.htm
3 . www.worldbank. org
4 .www.worldvaluessurvey.org
5. www.systemicpeace.org

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

روش داوری مقاله، فازی[1] است. روش فازی در مقام داوری در باب صدق یا کذب تئوری تئوری متفاوت با روش غیر فازی است. در حالی‌که در روش تحلیل کمی کلاسیک مفاهیم به متغیّر تبدیل و واریانس متغیّر وابسته از طریق متغیّر مستقل تبیین می‌شود؛ اما در روش فازی، مفهوم مورد سنجش نه به منزله متغیّری که جانشین مفهوم شده است، بلکه به مثابه مجموعه‌ای فازی در نظر گرفته می‌شود و آن‌گاه نوع و میزان عضویت اعضا در آن مجموعه تحلیل می‌شوند (ساعی، ۱۳۸۸). بر این اساس بر پایه‌ی تابعS شکل شاخص فاصله‌ای مدرج‌سازی و تبدیل به ارزش فازی گردید. آزمون فرضیات به روش فازی نیز ناظر بر تعیین درجه‌ی صدق و کذب عضویت در مجموعه است. تحلیل علّی بر مبنای این رهیافت مبتنی بر روابط زیرمجموعه یا روابط میان مجموعه‌های فازی است. رابطه‌ی میان شرایط لازم و یک نتیجه را می‌توان برای هر شرط به‌طور جداگانه بررسی کرد به این معنا نتیجه باید زیرمجموعه‌ی یک به یک علل لازم باشد. $(Y \leq X)$ هم‌چنین طبق اصل زیرمجموعه، مصادیق شرط کافی زیر مجموعه مصادیق معلول(نتیجه) هستند $(X \leq Y)$.

تعیین روابط علی میان شروط لازم یا کافی و نتیجه در مجموعه‌های فازی با استفاده از سازگاری[2] و پوشش[3و3] انجام می‌گیرد. در مجموعه‌های فازی یک مجموعه در صورتی برای مجموعه دیگر شرط لازم است که مجموعه‌ی نتیجه زیر مجموعه شرط باشد و در صورتی که شرط زیر مجموعه نتیجه باشد، شرط کافی است، لکن در مجموعه‌های فازی، یک مجموعه کاملاً زیرمجموعه‌ی مجموعه‌ی دیگر قرار نمی‌گیرد.

نرم افزار مورد استفاده در تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار مجموعه‌ی فازی/تحلیل تطبیقی- کیفی[4] و و نرم‌افزارهای Excel و SPSS می‌باشد. با اتکا به دانش نظری موجود در مطالعات دموکراسی و شاخص‌سازی‌های مؤسسات و مجامع بین‌المللی سه نقطه‌ی آستانه عضویت کامل، نقطه‌ی تقاطع و آستانه‌ی عدم عضویت کامل برای شرط علّی و نتیجه تعیین گردید و با استفاده از تابع عضویت s شکل، نمرات‌فازی استخراج شد. به منظور عملی ساختن تبدیل ریاضی برچسب‌های زبانی، یک مجموعه نه‌ارزشی با برچسب‌های زبانی فاصله‌ای تعریف و برای هر برچسب یک درجه‌ی عضویت اختصاص داده شده است.

1 .Fuzzy
2- Consistency
3- Coverage
4- .Fuzzy-Set/Qualitative Comparative Analysis, FS/QCA

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی یک- ارزش‌های فازی

عضویت کامل[۱]	
آستانه‌ی عضویت کامل[۲]	
بیش‌تر درون مجموعه[۳]	
بیش‌تر درون تا بیرون مجموعه[٤]	
نقطه‌ی گذار[٥]	
بیش‌تر بیرون تا درون مجموعه[٦]	
بیش‌تر بیرون از مجموعه[۷]	
آستانه‌ی عدم عضویت کامل[۸]	
عدم عضویت کامل[۹]	

نتایج توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میانگین درجه‌ی عضویت فازی در مجموعه‌ی کشورهای دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا برابر است که به معنای آن است که به‌طور مازسوی سرمایه‌ی اجتماعی در بیش‌تر کشورها از حد مازسوی پایین‌تر است و به عبارتی بیش‌تر کشورها در مجموعه سرمایه‌ی اجتماعی بالا کم و بیش عضو هستند. انحراف معیار فازی سرمایه‌ی اجتماعی 0.36 است که نشان می‌دهد ۳٦ درصد داده‌ها در اطراف میانگین قرار دارند. بیش‌ترین درجه‌ی عضویت فازی 0.999 است. این عدد به معنای آن است که کشورهایی وجود دارند که عضویتشان در مجموعه‌ی کشورهای دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا کامل است. کم‌ترین درجه‌ی عضویت فازی 1. 18 E-06 یا 0.00000118 است، این نمره متعلق به کشورهایی است که در مجموعه‌ی کشورهای دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا عضویت صفر

1- Full membership
2- Threshold of Full membership
3 . Mostly in
4 . More in than out
5 . Cross-over point
6 . More out than in
7 . Mostly out
8 . Threshold of Full nonmembership
9 . Full nonmembership

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دارند. میانگین درجه‌ی عضویت فازی مجموعه‌ی کشورهای دارای نابرابری مازسوی اجتماعی 0.477 است. انحراف معیار فازی نابرابری اجتماعی، 0.35است. بیش‌ترین مقدار درجه‌ی عضویت فازی در مجموعه‌ی کشورهای دارای نابرابری مازسوی اجتماعی 0.989 است و کم‌ترین مقدار درجه‌ی عضویت فازی در مجموعه‌ی کشورهای دارای نابرابری مازسوی اجتماعی 1. 99E-06 است.

میانگین درجه‌ی عضویت فازی در مجموعه‌ی کشورهای دارای درآمدهای غیر رانتی برابر 0.493است که به معنای آن است که به‌طور مازسوی میزان درآمدهای غیر رانتی در بیش‌تر کشورها از حد مازسوی پایین‌تر است و به عبارتی بیش‌تر کشورها در مجموعه کشورهای با درآمد غیر رانتی کم و بیش عضو هستند. انحراف معیار فازی کشورهای با درآمد غیر رانتی 0.38 است که به معنای آن است که ۳۸ درصد داده‌ها در اطراف میانگین قرار دارند. بیش‌ترین درجه‌ی عضویت فازی 0.999 است و کم‌ترین درجه‌ی عضویت فازی 0.0016 است که به معنای آن است که کشورهایی هستند که در مجموعه‌ی کشورهای دارای درآمدهای غیر رانتی عضویت صفر دارند و به صورت نسبی همه‌ی درآمد دولت‌هایشان از منابع رانتی است. مجموعه‌ی کشورهای دارای نظام سیاسی دموکراتیک با بیش‌ترین درجه‌ی عضویت فازی 0.981 و کم‌ترین درجه‌ی عضویت فازی0.0007دارای میانگین درجه‌ی عضویت فازی 0.57 است این نمره نشان می‌دهد به‌طور میانگین کشورها بیش‌تر درون مجموعه هستند تا بیرون مجموعه‌ی کشورهای دارای نظام سیاسی دموکراتیک. انحراف معیار فازی این مجموعه 0.37 است که نشان‌دهنده‌ی پراکندگی ۳۷ درصد داده‌ها در اطراف نقطه میانگین فازی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دو آماره های توصیفی مجموعه‌های علّی و نتیجه

مجموعه	بیش‌ترین درجه‌ی عضویت فازی	کم‌ترین درجه‌ی عضویت فازی	میانگین درجه‌ی عضویت فازی	انحراف معیار فازی	تعداد کشورها
سرمایه‌ی اجتماعی	0.999	1.18-E07	0.46	0.36	۸۳
نابرابری مازسوی درآمد	0.989	1.99-E06	0.477	0.35	۱۰۶
درآمدهای غیررانتی	0.999	2.72-E07	0.493	0.36	۱۲۷
نظام سیاسی دموکراتیک	0.981	0.0007	0.57	0.37	۱۲۲

جدول شماره‌ی سه پراکنش کشورها را بر حسب درجه‌ی عضویت در مجموعه‌ی کشورهای دموکراتیک نشان می‌دهد. بر اساس بررسی داده‌های موجود، کشورها با برچسب زبانی مربوطه دسته‌بندی شده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی سه- عضویت کشورها در مجموعه‌ی کشورهای دموکراتیک

گروه	نوع عضویت	نام کشورها
۱	کاملاً دموکراتیک[1]	استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، کاستاریکا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، آلمان، یونان، مجارستان، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سویس، انگلستان، ایالات متحده
۲	درآستانه‌ی کاملاًدموکراتیک[2]	آرژانتین، برزیل، کلمبیا، دومینیکن، اکوادور، استونی، فرانسه، هندوستان، جامایپکا، لبنان، نیکاراگوئه، پاناما، فیلیپین، رومانی، صربستان، آفریقای جنوبی، تایوان، ترکیه
۳	عمدتاً دموکراتیک[3]	آلبانی، بنگلادش، بوسنی، گرجستان، گواتمالا، مالی، مکزیک، نامیبیا، پرو، روسیه، سریلانکا، تایلند
٤	بیش‌تر دموکراتیک تا غیردموکراتیک[4]	ارمنستان، کرواسی، فیجی، غنا، مالزی، موزامبیک، نپال، نیجر، سنگال
٥	نه دموکراتیک و نه غیردموکراتیک[5]	گینه بیسائو، هائیتی، لیبریا، پاکستان
٦	بیش‌تر غیردموکراتیک تا دموکراتیک[6]	بروندی، کامبوج، آفریقای مرکزی، کنگو، اتیوپی، اندونزی، کنیا، سیرالئون
۷	عمدتاً غیردموکراتیک[7] غیردموکراتیک[7]	الجزایر، قرقیزستان، نیجریه، سنگاپور، سومالی
۸	درآستانه‌ی کاملاً غیردموکراتیک[8]	آنگولا، بورکینا فاسو، گابن، گامبیا، ایران، ساحل عاج، اردن، تاجیکستان، تانزانیا، توگو، تونس، اوگاندا، یمن، یوگسلاوی
۹	کاملاً غیر دموکراتیک[9] دموکراتیک[9]	آذربایجان، بحرین، بلاروس، بوتان، کامرون، چین، کوبا، مصر، قزاقستان، کره شمالی، کویت، لائوس، لیبی، مراکش، میانمار(برمه)، عمان، قطر، رواندا، عربستان سعودی، سودان، سوازیلند، سوریه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان، ویتنام، زیمبابوه

منبع: محاسبات نویسندگان

1 . Full membership
2 . Threshold of Full membership
3 . Mostly in
4 . . More in than out
5 . Cross-over point
6 . More out than in
7. Mostly out
8 . Threshold of Full nonmembership
9 .Full nonmembership

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شواهد تجربی میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد جامعه به یک‌دیگر در جدول شماره‌ی چهار منعکس شده است.

بر اساس شواهد موجود، سرمایه‌ی اجتماعی مردم کشورهای کانادا، اندونزی، نیوزلند، سوئیس، ایالات متحده، ویتنام، استرالیا، ژاپن بسیار بالا است. سرمایه‌ی اجتماعی مردم کشورهای هند، هلند، سوئد، پاکستان نیز در آستانه‌ی بسیار بالا است. سرمایه‌ی اجتماعی مردم کشورهای بوسنی، جمهوری دومینیکن، اتیوپی، فنلاند، انگلیس، ایتالیا، کره جنوبی، هنگ کنگ عمدتاً بالا است. در کشورهای بنگلادش، ایران، چین، مصر، آلمان، غنا، مجارستان، اردن، نیجریه، پرتوریکو، اسپانیا، تایوان، تایلند سرمایه‌ی اجتماعی کم و بیش بالا است. به عبارتی گرچه سرمایه‌ی اجتماعی مردم در این کشورها بالا نیست ولی شواهد نشان می‌دهد بیش‌تر از آن‌که بتوان آن‌ها را عضو مجموعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پایین قلمداد کرد، می‌توان آن‌ها را در مجموعه‌ی کشورهای دارای سرمایه‌ی اجتماعی بالا عضو دید. کشورهای ارمنستان، مکزیک، رواندا، آفریقای جنوبی، تانزانیا، اوروگوئه، ونزوئلا، زیمباوه، ترکیه در فازی‌ترین حالت و ابهام انگیزترین وضعیت برای عضویت در مجموعه‌ی فوق الذکر قرار دارند.

جدول شماره‌ی چهار. درجه بندی عضویت ۸۳ کشور در مجموعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

گروه	نوع عضویت	اسامی کشورها
۱	سرمایه‌ی اجتماعی کامل	کانادا، اندونزی، نیوزلند، سوئیس، ایالات متحده، ویتنام، استرالیا، ژاپن
۲	درآستانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی کامل	هند، هلند، سوئد، پاکستان
۳	عمدتاً سرمایه‌ی اجتماعی بالا	بوسنی، جمهوری دومینیکن، اتیوپی، فنلاند، انگلیس، ایتالیا، کره جنوبی، هنگ کنگ
٤	سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تر بالا تا پایین	بنگلادش، ایران، چین، مصر، آلمان، غنا، مجارستان، اردن، نیجریه، پرتوریکو، اسپانیا، تایوان، تایلند
٥	بینابین	ارمنستان، مکزیک، رواندا، آفریقای جنوبی، تانزانیا، اوروگوئه، ونزوئلا، زیمباوه، ترکیه
٦	سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تر پایین تا بالا	آلبانی، آندورا، آرژانتین، بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، السالوادور، فرانسه، مالی، مراکش، لهستان، رومانی، روسیه، صربستان و مونته نگرو، اسلواکی، ترینداد و توباگو، اوکراین، زامبیا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه جدول شماره‌ی چهار. درجه بندی عضویت ۸۳ کشور در مجموعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

گروه	نوع عضویت	اسامی کشورها
۷	عمدتاًسرمایه‌ی اجتماعی پایین	الجزایر، آذربایجان، بلاروس، برزیل، بورکینوفاسو، کلمبیا، استونی، گرجستان، لاتویا، لیتوانی، مقدونیه، مالزی، پرو، اسلونی
۸	درآستانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بسیار پایین	مولدووا، فیلیپین، اوگاندا، گواتمالا، قرقیزستان، عربستان
۹	سرمایه‌ی اجتماعی بسیار پایین	صربستان

منبع: محاسبات نویسندگان

سرمایه‌ی اجتماعی مردم کشورهای آلبانی، آندورا، آرژانتین، برزیل، بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، السالوادور، فرانسه، مالی، مراکش، لهستان، رومانی، روسیه، صربستان و مونته نگرو، اسلواکی، ترینداد و توباگو، اوکراین، زامبیا بیش‌تر پایین است تا بالا. سرمایه‌ی اجتماعی کشورهای الجزایر، آذربایجان، بلاروس، برزیل، بورکینوفاسو، کلمبیا، استونی، گرجستان، لاتویا، لیتوانی، مقدونیه، مالزی، پرو، اسلونی عمدتاً در سطح پایینی طبقه بندی می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی کشورهای مولدووا، فیلیپین، اوگاندا، گواتمالا، قرقیزستان، عربستان درآستانه‌ی بسیار پایین است و سرمایه‌ی اجتماعی در کشور صربستان بسیار پایین است.

شواهد تجربی چگونگی عضویت کشورها در مجموعه‌ی کشورهای دارای درآمد رانتی در جدول شماره‌ی پنج نشان می‌دهد کشورهای الجزایر، آنگولا، بحرین، کلمبیا، اکوادور، عراق، ایران، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکمنستان، امارات متحده، ونزوئلا و یمن کشورهایی هستند که درآمدهای دولت‌های آن‌ها کاملاً از منابع رانت تأمین می‌شود. کشورهای استرالیا، آذربایجان، بولیوی، کامرون و قزاقستان کشورهایی هستند که می‌توان آن‌ها را در آستانه‌ی عضویت در کشورهای کاملاً رانتی قلمداد کرد.

کشورهای مصر، اندونزی، مکزیک، پاراگوئه، روسیه، سودان و مالزی کشورهایی هستند که درآمدهای آن‌ها عمدتاً رانتی است. کشورهای کانادا، آرژانتین، میانمار، آفریقای جنوبی، ازبکستان و ویتنام را می‌توان تا بیش‌تر رانتی دانست تا غیر رانتی. کشورهای دانمارک، چین، کنگو، اتیوپی، کره جنوبی، مغولستان، موزامبیک، تانزانیا و تونس نه رانتی هستند و نه غیر رانتی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

درآمد دولت‌های کشورهای انگلستان، آلبانی، بنگلادش، بنین، بوسنی و هرزگوین، برزیل، کامبوج، جمهوری چک، اریتره، استونی، غنا، گواتمالا، هائیتی، هندوستان، کنیا، نپال، پاکستان، پرو، لهستان، رومانی، صربستان، توگو، زامبیا و زیمبابوه را می‌توان بیش‌تر غیررانتی دانست تا رانتی.

جدول شماره‌ی پنج درجه‌بندی عضویت کشورها در مجموعه درآمدهای رانتی

گروه	نوع عضویت	کشورها
۱	کاملاً رانتی	الجزایر، آنگولا، بحرین، کلمبیا، اکوادور، عراق، ایران، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکمنستان، امارات متحده، ونزوئلا، یمن
۲	درآستانه‌ی کاملاً رانتی	استرالیا، آذربایجان، بولیوی، کامرون، قزاقستان
۳	عمدتاً رانتی	مصر، اندونزی، مکزیک، پاراگوئه، روسیه، سودان، مالزی
٤	بیش‌تر رانتی تا غیررانتی	کانادا، آرژانتین، میانمار، آفریقای جنوبی، ازبکستان، ویتنام
٥	نه رانتی نه غیر رانتی	دانمارک، چین، کنگو، اتیوپی، کره جنوبی، مغولستان، موزامبیک، تانزانیا، تونس
٦	بیش‌تر غیررانتی تا رانتی	انگلستان، آلبانی، بنگلادش، بنین، بوسنی و هرزگوین، برزیل، کامبوج، جمهوری چک، اریتره، استونی، غنا، گواتمالا، هائیتی، هندوستان، کنیا، نپال، پاکستان، پرو، لهستان، رومانی، صربستان، توگو، زامبیا، زیمبابوه
۷	عمدتاً غیررانتی	نیوزیلند، هلند، ایالات متحده، اتریش، بوتسوانا، ایسلند، بلغارستان، کاستاریکا، کرواسی، کوبا، السالوادور، فنلاند، گرجستان، یونان، هندوراس، مجارستان، قرقیزستان، لتونی، لیتوانی، مقدونیه، نیکاراگوئه، پاناما، فیلیپین، سنگال، اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سریلانکا، تاجیکستان، تایلند، ترکیه، اوکراین، اروگوئه
۸	درآستانه‌ی کاملاً غیررانتی	سوئد، سویس، ارمنستان، بلاروس، قبرس، جمهوری دومینیکن، هنگ کنگ، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، جامائیکا، اردن، کره جنوبی، لبنان، جزیره مالت، مولداوی، مراکش، نامیبیا، پرتغال، سنگاپور
۹	کاملاً غیر رانتی	فرانسه، آلمان، بلژیک، ژاپن، لوکزامبورگ

منبع: محاسبات نویسندگان

درآمد دولت‌های کشورهای نیوزیلند، هلند، ایالات متحده، اتریش، بوتسوانا، ایسلند، بلغارستان، کاستاریکا، کرواسی، کوبا، السالوادور، فنلاند، گرجستان، یونان، هندوراس، مجارستان، قرقیزستان، لتونی، لیتوانی، مقدونیه، نیکاراگوئه، پاناما، فیلیپین، سنگال، اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سریلانکا، تاجیکستان، تایلند، ترکیه، اوکراین و اروگوئه را می‌توان عمدتاً

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

غیررانتی دانست تا رانتی. درآمد کشورهای کشورهای سوئد، سویس، ارمنستان، بلاروس، قبرس، جمهوری دومینیکن، هنگ کنگ، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، جامائیکا، اردن، کره جنوبی، لبنان، جزیره مالت، مولداوی، مراکش، نامیبیا، پرتغال و سنگاپور را می‌توان در آستانه‌ی کاملاً غیررانتی دانست. در نهایت کشورهای فرانسه، آلمان، بلژیک، ژاپن و لوکزامبورگ کاملاً غیر رانتی هستند.

با بررسی داده‌های شاخص ضریب جینی، سهم درآمد ۱۰ درصد بسیار مرفه جامعه از کل درآمدها و سهم درآمد۲۰ درصد بسیار مرفه جامعه از کل درآمدها می‌توان کشورها را بر اساس میزان برابری در توزیع درآمد دسته بندی کرد.

شواهد نشان می‌دهد کشورهای اتریش، باهاما، بلاروس، بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، مصر، فنلاند، آلمان، مجارستان، اندونزی، ژاپن، کره‌جنوبی، لوکزامبورگ، مونته‌نگرو، هلند، نروژ، پاکستان، رومانی، صربستان، اسلواکی، اسلوونی، سوئد و اوکراین کشورهایی هستند که عضو کامل مجموعه‌ی کشورهای دارای برابری درآمد هستند. کشورهای آلبانی، بنگلادش، بلژیک، برمودا، بوسنی، کانادا، اتیوپی، فرانسه، یونان، ایرلند، قزاقستان، لتونی، لهستان، اسپانیا، سوئیس، تاجیکستان کشورهایی هستند که در آستانه‌ی عضویت کامل در مجموعه‌ی کشورهای دارای برابری درآمد هستند. کشورهای الجزایر، ارمنستان، استرالیا، آذربایجان، استونی، ایتالیا، مولداوی، نیوزیلند، سودان، سوریه، تانزانیا، انگلیس، ویتنام، یمن کشورهایی هستند که عمدتاً درآمد افراد آنان برابر است. کشورهای چین، اردن، قرقیزستان، نپال، نیجر، پرتغال، سریلانکا، ترکمنستان، ازبکستان، مقدونیه کشورهایی هستند که نسبت به دسته‌ی قبلی برابری درآمد در آن‌ها کم‌تر است، ولی می‌توان درآمد افراد جامعه‌ی آن‌ها را بیش‌تر برابر خواند تا نابرابر. کشورهای کامرون و اسرائیل در مبهم‌ترین حالت برای عضویت در کشورهای با درآمد برابر یا درآمد نابرابر قرار دارند. درآمد افراد در کشورهای کامبوج، گرجستان، غنا، مالی، مراکش، قطر، روسیه، تونس و ایالات متحده بیش‌تر نابرابر است و می‌توان گفت شاخص نابرابری در این کشورها از برابری بالاتر است. کشورهای گینه، هنگ‌کنگ، ایران، جامایکا، ماداگاسکار، مالاوی، موریتانیا، فیلیپین، سنگال، سنگاپور، تایلند، ترکیه، اوگاندا و ساحل‌عاج کشورهایی هستند که می‌توان گفت درآمد افراد در این کشورها بیش‌تر نابرابر است تا برابر. کشورهای فیجی، مالزی، موزامبیک، نیکاراگوئه، نیجریه،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اروگوئه کشورهایی هستند که در آستانه‌ی عضویت کامل در مجموعه‌ی کشورهایی قرار دارند که درآمد افراد در آن‌ها به شدّت نابرابر است. کشورهای هـاییتی، آنگـولا، آرژانتـین، بحـرین، بولیوی، بوتسوانا، برزیل، آفریقای مرکزی، بولیوی، کلمبیا، چایل، کلمبیا، کاستاریکا، دومینیکن، اکوادور، السالوادور، گامبیا، گواتمالا، هندوراس، کنیا، لسوتو، مالدیو، مکزیـک، نامیبیـا، پانامـا، پاراگوئه، پرو، سوازیلند، ونزوئلا، زامبیا، زیمبابوه کشورهایی هستند که در آن‌ها نابرابری درآمد بسیار بالاست. این تقسیم بندی در جدول شماره‌ی شش نشان داده شده است.

جدول شماره‌ی شش- عضویت کشورها بر حسب برابری درآمد

گروه	نوع عضویت	کشورها
۱	درامد کاملا برابر	اتریش، باهاما، بلاروس، بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، مصر، فنلاند، آلمان، مجارستان، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مونته نگرو، هلند، نروژ، پاکستان، رومانی، صربستان، اسلواکی، اسلوونی، سوئد، اوکراین
۲	دراستانه‌ی درامد کاملاً برابر	البانی، بنگلادش، بلژیک، برمودا، بوسنی، کانادا، اتیوپی، فرانسه، یونان، ایرلند، قزاقستان، لهستان، اسپانیا، سوئیس، تاجیکستان
۳	عمدتا درامد برابر	الجزایر، ارمنستان، استرالیا، اذربایجان، استونی، ایتالیا، مولدووا، نیوزیلند، سودان، سوریه، تانزانیا، انگلیس، ویتنام، یمن
٤	بیش‌تر دارای درامد برابر تا نابرابر	چین، اردن، قرقیزستان، نپال، نیجر، پرتغال، سریلانکا، ترکمنستان، ازبکستان، مقدونیه
۵	نه درامد برابر و نه نابرابر	کامرون، اسرائیل
٦	بیش‌تر دارای درامد نابرابر تا برابر	کامبوج، گرجستان، غنا، مالی، مراکش، قطر، روسیه، تونس، ایالات متحده
۷	عمدتا درامد نابرابر	گینه، هنگ کنگ، ایران، جامائیکا، ماداگاسکار، مالاوی، موریتانیا، فیلیپین، سنگال، سنگاپور، تایلند، ترکیه، اوگاندا، ساحل عاج
۸	دراستانه‌ی درامد کاملاً نابرابر	فیجی، مالزی، موزامبیک، نیکاراگوئه، نیجریه، اروگوئه
۹	درامد کاملا نابرابر	هائیتی، انگولا، ارژانتین، بحرین، بولیوی، بوتسوانا، برزیل، افریقای مرکزی، بولیوی، کلمبیا، چایل، کلمبیا، کاستاریکا، دومینیکا، اکوادور، السالوادور، گامبیا، گواتمالا، گویان، هندوراس، کنیا، لسوتو، مالدیو، مکزیک، نامیبیا، پاناما، پاراگوئه، پرو، سوازیلند، ونزوئلا، زامبیا، زیمبابوه

منبع: محاسبات نویسندگان

داوری در باب فرضیه‌های مقاله

یکی از امتیازات تحلیل تطبیقی و کاربرد مجموعه‌های فـازی، امکـان بررسـی ضـرورت و کفایت شرایط علّی منفرد و ترکیبات علّی است. شرط لازم نشان می‌دهـد کـه حضـور شـرط، برای رخداد نتیجه، ضروری است. در حالی که شرط کافی می تواند نتیجه‌ی مورد نظر را خود ایجاد کند. یک راه بررسی کفایت یا ضرورت شرایط علّی منفرد، بررسی روابط زیرمجموعه‌ای

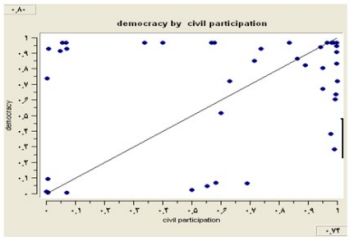
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

میان شروط مستقل و نتیجه است. چنان‌که پیش از این گفته شد، شرط، لازم است؛ اگر نتیجه زیرمجموعه‌ی شرط باشد و کافی است؛ اگر شرط، زیر مجموعه‌ی نتیجه باشد. این امر با نمرات فازی قابل بررسی است. درچارچوب روابط مجموعه‌ای، علت لازم و کافی فازی را می‌توان از طریق معیار نمودار و شاخص سازگاری و شاخص پوشش ارزیابی کرد.

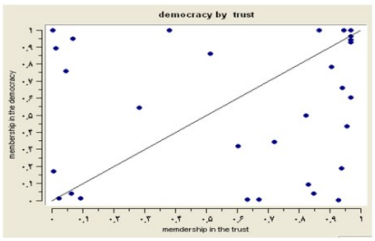
رگین ارزش محک[1] ۰/۵ را برای علت‌هایی به‌کار بردکه حداقل در نیمی از موارد، شرط لازم و یا شرط کافی‌اند[2] و معیار ۰/٦۵ و ۰/۸۰ را به ترتیب برای علت‌هایی که معمولاً[3] (٦۵.) و بیش‌تر موارد[4] (۸۰.) لازم یا کافی‌اند به‌کار می‌برد(Ragin:2006).

برای داوری در باره‌ی فرضیه‌ی اول، رابطه‌ی مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی با مجموعه‌ی دموکراسی با استفاده از شروط سازگاری و پوشش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چنان‌که در نمودارهای شماره‌ی یک و دو ملاحظه می‌شود، نوعی مانندث در زیر نیمساز اصلی تشکیل می‌شود که نشان‌دهنده‌ی آن است که عضویت اعضا در مجموعه‌ی اعتماد متقابل بالا در بیش‌تر موارد[5] و در مجموعه‌ی مشارکت مدنی بالا معمولاً[6] شرط علی لازم برای وقوع نتیجه دموکراسی است.



نمودار شماره‌ی یک- پراکندگی امتیازات فازی شرط مشارکت مدنی برای دموکراسی



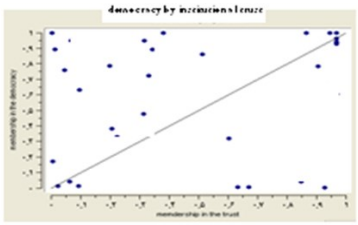
نمودار شماره‌ی دو- پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم لازم مشارکت مدنی برای دموکراسی اعتماد اجتماعی و دموکراسی

1 .Benchmark Value
2 .More often than not
3. Usually
4. Almost always
5 .Almost always
6 .Usually

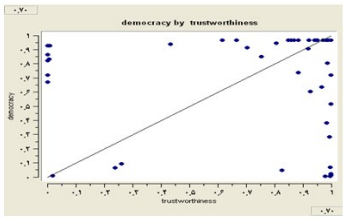
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

Consistency= 0.7197 Coverage=0.6991 Consistency= 0.3145 Coverage=0.7142

نمودارهای شماره‌ی سه و چهار شروط علّی نفع جمعی و اعتماد نهادی را بـرای نتیجـه‌ی دموکراسی وارسی کند. بر این اساس نفع جمعی معمولاً[1] شرط لازم برای دموکراسی است، در حالی‌که اعتماد نهادی شرط لازم برای دموکراسی نمی‌باشد.



نمودار شماره‌ی سه- پراکندگی امتیازات فازی شرط شرط لازم لازم اعتماد نهادی برای دموکراسی



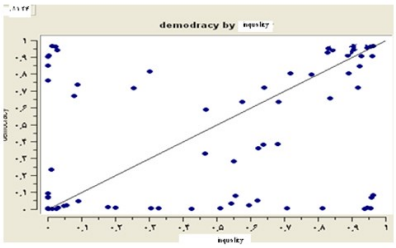
نمودار شماره‌ی چهار -پراکندگی امتیازات فازی نفع جمعی و دموکراسی

Consistency= 0.7197 Coverage=0.6991 Consistency= 0.3145 Coverage=0.7142

نمودارهای شماره‌ی پنج و شش اختصاص به وارسی شـروط علّـی نـابرابری مازسـوی و درآمدهای غیررانتی دارد. براساس شـاخص سـازگاری نـابرابری مازسـوی در توزیـع درآمـد معمولاً[2] شرط لازم و عدم دسترسی دولت به درآمد رانتی در بیش‌تر مـوارد[3] شـرط لازم بـرای دموکراسی است.

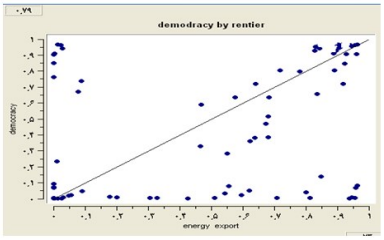
1 .Usually
2 .Usually
3 . Almost always

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نمودار شماره‌ی پنج- پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم مؤلّفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و درآمدعای غیررانتی و نابرابری با دوکراسی

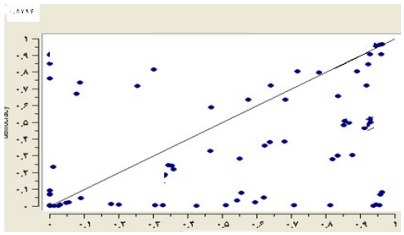
Consistency= 0.8197 Coverage=0.7321



نمودار شماره‌ی شش- پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم درآمدهای غیررانتی و دموکراسی

Consistency= 0.6745 Coverage=0.6421

در نمودار شماره‌ی هفت اجتماع سه شرط علّی سرمایه‌ی اجتماعی بالا، دولت غیر رانتی و نابرابری مازسوی در توزیع درآمد با دموکراسی مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های تجربی ناظر بر رابطه‌ی فازی میان مجموعه‌ای نشان می‌دهد که اجتماع این شروط در بیش‌تر موارد شرط لازم برای دموکراسی است. به عبارتی ۸۷درصد موردهای مطالعه شده، این ادعا را تأیید می‌کند که ترکیب عطفی سرمایه‌ی اجتماعی بالا، دولت غیر رانتی و نابرابری مازسوی در توزیع درآمد ترکیب علّی لازم و نه کافی برای دموکراسی است.



نمودار شماره‌ی هفت -پراکندگی امتیازات فازی شرط نابرابری مازسوی برای دموکراسی

Consistency= 0.8796 Coverage= 0.676

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بررسی علیت‌های عطفی(ترکیبی[۱]): بر اساس مدل نظری، شش شرط علّی در این بررسی مدّ نظر قرار گرفت. برای این شش شرط، ٦٤ ترکیب علی متصور است.[٦] نرم افزار FS/QCA با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی ترکیب‌های ممکن شرایط علی در میان موارد را در ردیف‌های جداگانه محاسبه کرده و فراوانی موارد در هر ترکیب را نشان می‌دهد. در جدول صدق و کذب فازی، شرایط حضور و غیاب کلیه‌ی عوامل را برای پیدایش نتیجه‌ی مورد بررسی قرار می‌دهد. عدد ۱ در این جداول نشان‌دهنده‌ی عضویت کامل و عدد صفر نشان‌دهنده‌ی عدم عضویت کامل عنصر در مجموعه است. در این نوع تحلیل، نمرات فازی بالاتر از ۰. ۵ به عنوان عضویت کامل کشورها در مجموعه و نمرات فازی کم‌تر از ۰. ۵ به عنوان عدم عضویت کامل در نظر گرفته شده است. در این جدول شاخص سازگاری نشان‌دهنده‌ی نسبتی از موارد است که در هر ردیف جدول صدق و کذب نتیجه را نشان می‌دهد. با استفاده از فرایندهای به حداقل رساندن ترکیبات ممکن و جداسازی ترکیبات مرتبط، از ٦٤ ترکیب علّی، ۵ ترکیب علّی عطفی به دست آمد که به تحقیق دموکراسی در یک کشور می‌انجامد.

جدول شماره‌ی هشت- نتیجه‌ی بررسی مسیرهای علّی دموکراسی براساس الگوریتم صدق و کذب فازی

consistency	Unique coverage[۷]	Raw coverage[۸]	**ترکیب‌های علّی**
0.961206	**0.092736**	**0.186496**	~اعتمادمتقابل*[۸]اعتمادنهادی*مشارکت مدنی* دولت رانتی* نابرابری مازسوی
0.845579	**0.692169**	**0.236277**	اعتمادمتقابل*~اعتمادنهادی*مشارکت مدنی*~دولت رانتی*نابرابری مازسوی
0.967348	**0.286086**	**0.243566**	~اعتمادمتقابل*اعتمادنهادی*مشارکت مدنی*~ دولت رانتی* ~جمع گرایی
0.853195	**0.206826**	**0.690916**	~ اعتمادنهادی*مشارکت مدنی* ~نفع جمعی* دولت رانتی* نابرابری مازسوی
0.903904	**0.036087**	**0.075600**	اعتمادمتقابل*~اعتمادنهادی*نفع جمعی*~مشارکت مدنی*~ دولت رانتی* ~نابرابری مازسوی
solution consistency: 0.869181		solution coverage: 0.595405	

1 .Configurational

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مسیر اول: ~اعتماد متقابل*اعتماد نهادی*مشارکت مدنی* دولت رانتی* نابرابری مازسوی

مسیر دوم: اعتماد متقابل*~اعتماد نهادی*مشارکت مدنی*~ دولت رانتی* نابرابری مازسوی

مسیر سوم: ~اعتماد متقابل*اعتماد نهادی*مشارکت مدنی*~ دولت رانتی* ~ جمع گرایی

مسیر چهارم: ~ اعتماد نهادی*مشارکت مدنی* ~ نفع جمعی*~ دولت رانتی* نابرابری مازسوی

مسیر پنجم: اعتماد متقابل*~اعتماد نهادی*نفع جمعی*~مشارکت مدنی*~ دولت رانتی*~نابرابری مازسوی

در نهایت سه مسیرعلیّت ترکیبی کافی تشخیص داده شده مازسوی و مسیر دوم: اعتماد متقابل بالا، اعتماد نهادی بالا، مشارکت مدنی بالا، دولت غیر رانتی و نفع جمعی پایین و مسیر سوم: اعتماد نهادی پایین، مشارکت مدنی بالا، نفع جمعی پایین، دولت غیر رانتی و نابرابری مازسوی در توزیع درآمد است.

ویژگی مشترک این سه مسیر مشارکت مدنی بالا و عدم دسترسی به درآمدهای رانتی است؛ اما ویژگی متمایز کننده‌ی مسیر اول و سوم نابرابری مازسوی در توزیع درآمد است و ویژگی مشترک مسیر دوم و اول، اعتماد متقابل بالا میان افراد جامعه است. در میان این سه مسیر، مسیر اول شاخص پوشش بهتری دارد. شاخص پوشش[1]، اهمّیّت تجربی علل تحت مطالعه را نشان می‌دهد و قابل قیاس با واریانس تبیین شده در رگرسیون است (کنت، ۲۰۰۸). این دو الزاماً برابر نیستند؛ چرا که ممکن است مسیرهای علّی هم‌پوشانی داشته باشند.

شاخص سازگاری کلیه‌ی مسیرها نشان می‌دهد که ترکیب‌های علّی در بیش‌تر موارد شرط علّی لازم برای دموکراسی است.

نتیجه‌گیری

مسأله‌ی این مقاله، تفاوت‌پذیری کشورها به لحاظ شاخص دموکراسی است. در بخش مطالعات نظری، مرورتئوری‌های بیان شده به‌عنوان دانش نظری نشان داد که دموکراسی پدیده‌ای چند بُعدی و چند علیّتی است که نمی‌توان تبیین تک عاملی از آن ارایه داد. بنابراین

1 coverage

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در تدوین الگوی نظری پژوهش تأکید شد که دموکراسی تابعی از عوامل سرمایه‌ی اجتماعی، نابرابری در توزیع درآمد و درآمدهای غیررانتی دولت است. برمبنای این الگوی نظری، استدلال منطقی این‌چنین بیان شد که ترکیب عطفی عوامل یاد شده، ترکیب علّی لازم و کافی برای تحقق دموکراسی است.

یافته‌های تجربی این پژوهش در بررسی شروط منفرد برای پیدایش دموکراسی نشان داد که اعتماد متقابل میان افراد جامعه و عدم دسترسی دولت به درآمد در بیش‌تر موارد و مشارکت مدنی و نفع جمعی بالا و نابرابری مازسوی در توزیع درآمد معمولاً شرط لازم برای دموکراسی است. بررسی شرط لزوم و کفایت اعتماد نهادی مؤید نه لازم و نه کافی بودن اعتماد نهادی برای دموکراسی است و حاکی از نقش آن به صورت ترکیبی و با حضور متغیّرهای دیگر است.

معمولاً در پدیده‌های اجتماعی ترکیب شرایط علّی اثرات متفاوتی از علت‌های منفرد ایفا می‌نمایند. مسیر اول شرط کافی حاکی از آن است که اعتماد متقابل بالا، اعتماد نهادی پایین، مشارکت مدنی بالا، عدم دسترسی به درآمدهای رانتی در کنار نابرابری مازسوی در توزیع درآمد در مقایسه با مسیر دوم و سوم اهمیت بیش‌تری برای رخدادن دموکراسی دارد.

نتایج به دست آمده مؤیّد نقش سرمایه‌ی اجتماعی، درآمدهای رانتی و نابرابری در جامعه به عنوان عوامل تأثیرگذار اصلی در رخ‌دادن دموکراسی است.

ویژگی مشترک مسیرهای علّی کافی در خصوص عدم اتکا دولت‌ها به درآمدهای نفتی و احساس نیاز به جامعه (درآمدهای مالیاتی) به همراه مشارکت مدنی افراد جامعه حاکی از آن است که وجود نابرابری در جامعه و اعتماد متقابل افراد جامعه و روحیه نفع جمعی مادامی که دولت‌ها از نظر اقتصادی مستقل باشند و افراد جامعه نسبت به فعّالیّت‌های مدنی منفعل باشند، برای ایجاد و تحکیم دموکراسی کفایت نمی‌کنند.

بر این اساس می‌توان گفت یافته‌های تجربی این پژوهش علاوه بر حمایت تجربی از استدلال نظری پژوهش و تأیید تجربی بر نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص تأثیر علّی متغیّرهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که حضور و عدم حضور هر یک از مجموعه‌های شروط علّی می‌تواند مجموعه‌ی نتایج را به‌گونه‌ای معنادار تغییر دهد. بر این اساس تبیین تک علتی از دموکراسی بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد مؤثر تبیینی ناقص است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱- پاتنام، روبرت(۱۳۸۰) **دموکراسی و سنت‌های مدنی**، ترجمه‌ی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه‌ی سلام.

۲- پاتنام، رابرت و دیگران به کوشش کیان تاجبخش(۱۳۸٤) **سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد و** توسعه، ترجمه‌ی افشین خاکباز افشین و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

۳- تاجبخش، کیان(۱۳۷۸) «تئوری سرمایه‌ی اجتماعی، پیامدهای آن برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی»، **گفتمان**، شماره‌ی۲.

٤- توحیدفام، محمد(۱۳۸۲) **دولت و دموکراسی**، تهران: روزنه.

۵- چاندوک، نیران(۱۳۷۷) **جامعه‌ی مدنی ودولت**، ترجمه‌ی فریدون فاطمی و وحید بزرگ، تهران: نشرمرکز.

٦- چلبی، مسعود(۱۳۸۸) «شاخص‌سازی تابع عضویت فازی، نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ٤، ص 28-6.

۷- حاجی یوسفی، امیر محمد(۱۳۷٦) «رانت، دولت رانتیر و رانتیریسم: یک بررسی مفهومی»، **اطلاعات سیاسی- اقتصادی**، شماره‌ی یک۲۵ و ۱۲٦، ص ۱۵۲ تا ۱۵۵.

۸- خدایی، ابراهیم(۱۳۸۸) «رگرسیون خطی فازی و کاربردهای آن در پژوهش‌های علوم اجتماعی»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی چهار، ص98-82.

۹- ذکایی، محمّد سعید(۱۳۸۱) «سرمایه‌ی اجتمای و مشارکت مدنی»، **حیات نو**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی 661، ص23-18.

۱۰- ساعی علی(۱۳۸۸) «فازی سازی دموکراسی»، **دانشنامه‌ی علوم اجتماعی**، دوره‌ی۱، شماره‌ی یک، ص191-167.

۱۱- سالتر، لی(۱۳۸۳) «دموکراسی، جنبش‌های نوین اجتماعی و اینترنت»، ترجمه‌ی پیروز ایزدی، **رسانه**، دوره‌ی ۳؛ شماره‌ی یک۵، ص162-133.

۱۲- طاهری، ابوالقاسم و سارا، صفاری امان(۱۳۸۸) «تأثیر دولت رانتیر بر دموکراسی در ایران(پهلوی دوم)»، **فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی تاریخ**، سال چهارم، شماره‌ی دوازدهم، ص122-91.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۳- عجم اوغلو دارون و جیمز رابینسون(۱۳۹۰) **ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی**، تهران: کویر.

۱٤- فوکویاما، فرانسیس(۱۳۷۹) **پایان نظم [پایان سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن]**، غلامعبّاس توسّلی، تهران: جامعه‌ی ایرانیان.

۱۵- قاسمی، وحید(۱۳۸۹) **سیستم‌های استنباط فازی و پژوهش‌های اجتماعی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

۱٦- کاتوزیان، همایون(۱۳۷٤) «اقتصاد سیاسی کشورهای صادرکننده‌ی نفت»، ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره‌ی ۹۵ و ۹٦، ص119-95.

۱۷- کدیور، محمدعلی(۱۳۸٦) **گذار به دموکراسی**، تهران: گام نو.

۱۸- کوربوسی، عاطف و سلیم منصور(۱۳۷۵) «اقتصاد سیاسی نفت در خاورمیانه»، ترجمه‌ی امیرمحمد حاج‌یوسفی، **اطلاعات سیاسی- اقتصادی**، سال دهم، ش ۱۰۸ــ ۱۰۷، ص 130-112.

۱۹- لفت‌ویچ، آدریان(۱۳۷۸) **دمکراسی و توسعه**، ترجمه‌ی احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران:طرح نو.

۲۰- لوسیانی، جیاکومو(۱۳۷٤) **درآمد ثابت نفتی، بحران مالی، گرایش به دموکراسی، فصلنامه‌ی خاورمیانه**، سال دوم، ش ۲، ص 56-42.

۲۱- مظلوم خراسانی محمد و مژگان عظیمی هاشمی(۱۳۸۷) «رابطه‌ی فازی توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و نابرابریهای درآمدی در ایران»، **فصلنامه‌ی تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری**، سال اول، شماره‌ی ۵۹، 58-27.

22- Acemoglu, D. , and J. Robinson(1998) «Why Did the West Extend the Franchise? Democracy,Inequality, and Growth in Historical Perspective» **Forthcoming in Quarterly Journal of Economics**, vol. 113(4), pages 1055-1089, November.

23- Acemoglu, Daron and James A. Robinson(2005) **The Economic Origins of Democracy and Dictatorship**, Book manuscript, Department of Government, Harvard University and Department of Economics, MIT. Forthcoming.

24- Alberto Chong(2004) **Inequality, Democracy, and Persistence: Is There a Political Kuznets Curve?.**

25- Almond Gabriel and Sidney Verba)1989) **The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations**,Sage.

26- Almond, Gabriel, and Sidney Verba(1963) T**he Civic Culture**, Boston, Little, Brown.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

27- Beblawi Hazem, Giacomo Luciani(1987) **The Rentier** State, London:Croom Helm.

28- Bollen, K. a(1985) «Polotical democracy and the size distribution of income», **AmericanSociological Review**,50, PP:438-57.

29- de Tocqueville Alexis(1820) **Democracy in America, Translator- Henry Reeve**, the Pennsylvania State University, Electronic Classics Series, Jim Manis, Faculty Editor, Hazleton, Chicago:The University of Chicago Press.

30- Dowley, K. M. and B. D. Silver(2002) Social Capital, Ethnicity and Support for Democracy in the Post-Communist States, **Europe-Asia Studies,** 54(4): 527-505.

31- Gasiorowski M. J(1996) «An Overview of Political Regime Change Data Set», **Comparative Political Studies**, 29-68: 98.

32- Fukuyama, F(1995) **Trust: the social virtues and the creation of prosperity**, New York: The Free Press.

33- Knack, S. , and Keefer, P(1997) «Does social capital have an economic pay-off? A cross country investigation», **Quarterly Journal of Economics**. 112. 4:1251-1288.

34- Gill G(2000) **The dynamics of Democratization. Elites, civil society and the transition process, MacMillan and St Martin's Press**, Basingstoke and New York pp. vii & 287.

35- Gurr T. D. and et. al.)1990) **Polity II: Political Structure and Regime Change, 1800-1986**, Principal Investigators George Mason University and Colorado State University, Founder University Maryland. March,2010.

36- H. Beblawi and G. Luciani(ed)(1987) **The Rentier State**, London: Croomhelm.

37- H. Katouzian(1986) **Oil and Economics Develpoment, in G. Sabagh(ed). The Modern Economics and Social History of the Midddle East in its World Context**, Cambridge University Press.

38- Habermas. J(1976) «was heist universalpragmatik? In K. O apel(ed) sprachpragmatik und Philosophy. Frankfort am man suhrkamp», **http://www. ccsr. ac. uk/publications/teaching/2008-10. pdf**.

39- Huntington, Samuel(1984) «Will More Countries Become Democratic?», **Political Science Quarterly** , Volume 99 , Number 2, p. 193-218.

40- Inglehart, Ronald, and Welzel, Christian)2005) **Modernization, Cultural Change and Democracy**, Cambridge: Cambridge University Press.

41- Inglehart, Ronald, and Welzel, Christian(2002) «Political Culture and Democracy: Analyzing Cross-Level Linkages», **Comparative Politics**, Vol. 36, No. 1,pp. 61-67.

42- Jakm an. r. W(1973) «Political democracy and social equality:A Comparative analysis», **American Sociological Rewiew**, 39, PP: 29-45.

43- K. Chaundry(1989) «The Price of Wealth: Bsiness and State in Labour Remittance and Oil Economics», **International Organization**,43. 1pp101- 145.

44- Kent, R ,(2008) «Using fs-QCA, A Brief Guide and Workshop for Fuzzy-Set Qualitative Comparative Analysis», Teaching Paper No. 3. Manchester: **The Cathie Marsh Centre**, University of Manchester. http://www. ccsr. ac. uk/publications .

45- Lipset Seymour Martin(1959) **Some Social Requisite of Democracy, Economic Development and Political Development**, American Political Science Review 53.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

46- Mahdavy, Hossein(1970) **Patterns and Problems of Economic Development in RentierStates: The Case of Iran In M. A. Cook, ed. , Studies in the Economic History of the Middle-East**»,Oxford: Oxford University Press.

47- Merli Sonja and Ken Newton(2008) «Social trust and attitudes toward democracy», **public opinion quarterly**, vol 72,no 4,pp 706- 724.

48- Milton Rokeach(1960) **The Open and Closed Mined**, Basic Books, Inc. , Publishers: New York.

49- Offe Claus,(1990) **How Can We Trust Our Fellow Citizens**, Democracy and Trust Edited by Mark E. Warren,Georgetown University, Washington DC:Cambridge University Press.

50- Paxton, P(1999) **«**Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessmen», **t. American Journal of Sociology**, 105:88-127.

51- Przeworski et. al.(2000) **Democracy and Development: Political Regimes and Economic Performance, 1950-1990**, Cambridge: Cambridge University Press.

52- Putnam Rabert(2000) **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York: Simon & Schuster.

53- Ragin, Charles(2000) **Fuzzy-Set Social Science** By C. Chicago: University of Chicago Press.

54- Ragin, Charles C(2007) **Calibration Versus Measurement**, Forthcoming in David Collier, Henry Brady, and Janet Box-Steffensmeier(eds.), Methodology.

55- Ragin, C(2008) **Redesigning Social Inquiry Fuzzy Sets and Beyond**, The University of Chicago Press.

56- Ragin,C(2008) **USER'S GUIDE TO Fuzzy-Set / Qualitative Comparative Analysis**, Arizona:Department of Sociology University of Arizona.

57- Ross Michael(2009) **Oil and Democracy**, UCLA Department of Political Science.

58- Ross, Michael(2001) «Does Oil Hinder Democracy?» **World Politics**, 53(3):325 61.

59- S. Ersson and J. -E. Lane(1996) **Democracy and Development: A Statistical Exploration**, Chapter 3,Aderian Leftwich, Democracy and Development:polity press.

60- Sampson ,Robert J. Doug McAdam, Heather MacIndoe, Simón Weffer Elizondo(2005) «Civil Society Reconsidered: The Durable Nature and Community Structure of Collective Civic Action, **American Journal of Sociology**, Vol. 111, No. 3, pp. 673-714.

61- Yates Douglas(2005) **Neo-'Petro-monialism' and the Rentier State in Gabon, in Matthias Basedau, Andreas Mehler, eds**, Resource Politics in Sub-Saharan Africa ، Hamburg: African Studies Institute/IAK.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]